**چكيده**

هدف از ارائه اين مقاله آشنايي اوليه علاقه مندان حسابداري، با حسابداري اجتماعي است. در اين مقاله تعاريف اوليه از حسابداري اجتماعي آورده شده است. سپس به استفاده كنندگان از حسابداري اجتماعي اشاره شده است.در اين مقاله همچنين به تاريخچه و بعد از آن به اهداف حسابداري اجتماعي و مزاياي آن و سپس به مشكلات پياده سازي حسابداري و گزارشگري اجتماعي اشاره شده است.

بسیاری از رفتارها و اقدامات مدیران و کارکنان، متأثر از ارزشهای اخلاقی بوده، ریشه در اخلاق دارد. عدم توجه به اخلاق کار در مدیریت سازمانها، در جوامعی مانند ایران که از یک سو دارای ارزشهای اخلاقی غنی بوده، از سوی دیگر با کشورهای پیشرفته فاصله قابل توجهی دارند، می‌تواند معضلاتی بزرگ برای سازمانها به وجود آورد. به علاوه با افزایش انتظارات اجتماعی از سازمانها، جوامع نسبت به مسائلی مانند محیط زیست ، حقوق زنان، کودکان، اقلیتها، معلولان، برابری استخدام و کاهش نیروی انسانی، حساس‌تر شده‌اند. بی‌توجهی سازمانها به این حقوق و عدم رعایت اصول اخلاقی در برخورد با ذی‌نفعان بیرونی، می‌تواند مشکلاتی را برای سازمان ایجاد کند و مشروعیت سازمان و اقدامات آن را موردپرسش قرار داده، در‌نتیجه سود و موفقیت سازمان را تحت تأثیر قرار دهد. اخلاق کار ضعیف، بر نگرش افراد نسبت به شغل، سازمان و مدیران موثر بوده، می‌تواند بر عملکرد فردی ، گروهی و سازمانی اثر بگذارد.

**مقدمه**

 امروزه با توجه به پيچيده شدن ارتباط شركتهاي موجود در جامعه با يكديگر و همچنين با دولت و افراد حاضر در جامعه شرايطي بوجود آمد كه شركتها مي بايست نه تنها به ذينفعان بلكه به آحاد مردم پاسخگو باشند.

از دهه 60 ميلادي شركتها به اهميت منابع اجتماعي پي برده اند بگونه اي كه اين اهميت خود را در يك دهه بعد در گزارشگري اجتماعي نشان داد. دهه 70 شروع و اوج دوران حسابداري و گزارشگري اجتماعي به شمار مي آيد. در اين دهه مقالات زيادي نوشته شد كه نشان از علاقه مندي مديران به ارائه اطلاعات اجتماعي مي دهد بطوري كه در دهه اول گسترش حسابداري اجتماعي بسياري از شركتها به سمت گزارشگري اجتماعي پيش رفتند.

مشكلات زيادي نيز در راستاي گزارشگري اجتماعي وجود داشته و دارد كه پيشرفت اين نوع گزارشگري را با محدوديت مواجه نموده است كه در اين مقاله، به برخي از مشكلات اشاره شده است.

**تاریخچه**

مفهوم حسابداری مسئولیت اجتماعی در اوایل دهه 60 میلادی توسط نویسندگانی مثل آندرسون ، موبلی ، و لین اوس مطرح شد . آندرسون را باید بعنوان پدر حسابداری مسئولیت اجتماعی نامید. در آمریکا این مفهوم در اوایل دهه 70 م توسط انجمن حسابداری امریکا به منظور بررسی موانع و مشکلات مربوط به اندازه گیری در حسابداری مسئولیت اجتماعی آغاز شد و با وجود گذشت 40 سال هنوز این مفهوم از جدیدترین مباحث حسابداری است . در خصوص تدوین استانداردهای حسابداری مسئولیت اجتماعی به دلیل فشار سازمانهای هوادار محیط زیست و حقوق بشر در کشورهای صنعتی ، فدراسیون بین المللی حسابداری (IFAC) توجه خود را معطوف به این موضوع معطوف کرد و مجموعه ای بیانیه ها را در رابطه با تدوین استانداردهای این مفهوم صادر نمود . در ایران اولین در پاییز سال 1372 در فصلنامه بررسی های حسابداری دانشگاه تهران مقاله ای با عنوان تئوری حسابداری اجتماعی مطرح شد و تاکنون مقالا زیادی در این خصوص ارائه شده است.

گزارشهای ارائه شده توسط سیستم حسابداری مالی، عملکرد واحد تجاری را از جنبه های خاص مورد ارزیابی قرار می دهند و سود آوری و توان مالی واحد تجاری را شاخص موفقیت یا عدم موفقیت می دانند و بیشترین توجه را معطوف منافع گروههایی می کنند که مهمترین آنها عبارت‌اند از:

- سرمایه گذاری بالفعل و بالقوه؛

- مدیران واحد تجاری؛

- اعتبار دهندگان بالفعل و بالقوه؛

- سازمانهای دولتی؛

- کارکنان واحد تجاری؛

- مشتریان؛

- فروشندگان.

به دلیل عدم توجه به منافع سایر گروههای اجتماع و همچنین اثرات زیست محیطی ناشی از فعالیتهای واحد تجاری، در اوایل دهه شصت میلادی مفهوم جدیدی به نام حسابداری مسئولیتهای اجتماعی (SRA=SOCIAL RESPONSIBILITY ACCOUNTING) در مباحث نظری حسابداری مطرح شد و نویسندگانی از اروپا، کانادا و استرالیا از قبیل آندرسن، موبلی و لین اوس در نوشته های خود به آن اشاراتی داشته اند و از میان آنان آندرسن را باید به عنوان پدر این شاخه از دانش حسابداری دانست.

اما در کشور آمریکا مفهوم حسابداری مسئولیتهای اجتماعی با یک دهه تاخیر در اوایل دهه هفتاد، توسط انجمن حسابداری آمریکا (A. A. A) با تشکیل کمیته ای به منظور بررسی موانع و مشکلات مربوط به فرایند اندازه‌گیری و گزارشگری در حسابداری مسئولیتهای اجتماعی آغاز شد و با وجود گذشت بیش از چهار دهه، این مفهوم هنوز هم از جدیدترین مباحث حسابداری است که در مراحل اولیه رشد به سر می برد و از نظر اجرا و به کارگیری پیشرفت چندانی نداشته است؛ به گونه ای که تاکنون غالب مقالات منتشر شده، جنبه توصیفی داشته و بیشتر با تکیه بر توصیف مفاهیم، توجه کمتری را به مشکلات اجرا و ارائه راهکارهای مناسب جهت عملی کردن آن داشته اند.

شاید عامل اصلی این حرکت، ناشی از محدودیتها و مشکلات مربوط به اندازه‌گیری و گزارشگری آثار خارجی واحد تجاری باشد. منظور از آثار خارجی‌، آن گروه از فعالیتها و نتایج عملیات واحد تجاری است که فراتر از منافع گروههای پیش گفته باشد و آثاری همچون هزینه‌های اجتماعی، منافع اجتماعی و بازده اجتماعی را شامل می شود.

سر انجام به دلیل فشار سازمانهای هوادار محیط زیست و حقوق بشر در کشورهای صنعتی برای مبارزه با آلودگی محیط زیست بویژه آلودگیهای ناشی از آزمایشهای هسته‌ای‌، فدراسیون بین المللی حسابداران (IFAC) توجه خود را معطوف موضوع حسابداری مسئولیتهای اجتماعی کرد و بر این اساس فدراسیون مذکور، مجموعه ای از بیانیه‌ها را صادر کرد که در آنها خواستار تدوین استانداردهایی در رابطه با حسابداری و حسابرسی مسئولیتهای اجتماعی شد.

اما در خصوص کشور ما، این مفهوم همانند سایر امور با سه دهه تاخیر، برای اولین بار در پاییز سال 1372 شمسی (1993 میلادی) در فصلنامه بررسی های حسابداری دانشگاه تهران با مقاله ای به نام تئوری حسابداری اجتماعی مطرح و تاکنون مقالات انگشت شماری در این خصوص توسط صاحبنظران رشته حسابداری ارائه شده است.

**تعریف حسابداری اجتماعی:**

حسابداری اجتماعی بخشی از دانش حسابداری است که هدف آن اندازه گیری و گزارشگری اثرات اجتماعی (هزینه ها و منافع اجتماعی) ناشی از فعالیتهای واحد تجاری است .

از آنجایی که هر واحد تجاری عضوی از جامعه ای است که در آن فعالیت می کند و به طور مستمر در تعامل با سایر اعضای جامعه است و با استناد به قراردادهای نا نوشته اجتماعی بین اعضای جامعه که برای حفظ منافع تمامی اعضا وضع شده اند ، ضرورت دارد، واحد تجاری از تعهدات و مسئولیتهای خود آگاه باشد و آنها را محدود به حفاظت منافع سهامداران نداند، بلکه تعهدات و مسئولیتهای دیگری در قبال سایر گروههای اجتماع از قبیل اعتبار دهندگان ، کارکنان، مشتریان و فروشندگان و گروههای موجود در جامعه و همچنین محیط زیست پیرامون خود احساس کند.

همچنین حسابداری اجتماعی را می توان در ارتباط با اطلاعات منتشره توسط یک سازمان که به طرفهای ذینفع امکان می دهد تا عملکرد سازمان را در مواجهه با مسائل اجتماعی ( مثبت و منفی ) ارزیابی کند ، تعریف کرد .(جعفری 1372)

حسابداری اجتماعی فرایند گرداوری ، اندازه گیری و گزارش معاملات و تاثیرات متقابل این معاملات بین واحد تجاری و جامعه پیرامونی اوست.حسابداری اجتماعی از طریق اندازه گیری و گزارشگری تاثیرات متقابل واحد تجاری و جامعه پیرامونی اش ، ارزیابی از توان ایفای تعهدات اجتماعی را امکان پذیر می سازد.(میرسپاسی 1374)

موضوع مسئوليت اجتماعي نيز جداي از اين قضيه نيست، زيرا درخصوص ارائه تعريفي واحد از مسئوليت اجتماعي بين دانشمندان علم مديريت، اتفاق نظر وجود ندارد. «گريفين» و «بارني» (JAY B.BARNEY&W.GRIFFIN) مسئوليت اجتماعي را چنين تعريف مي كنند: <«مسئوليت اجتماعي، مجموعه وظايف و تعهداتي است كه سازمان بايستي در جهت حفظ و مراقبت و كمك به جامعه اي كه در آن فعاليت مي كند، انجام دهد». «درك فرنچ» و «هينر ساورد» در كتاب «فرهنگ مديريت» درخصوص مسئوليت اجتماعي مي نويسند: «مسئوليت اجتماعي&، وظيفه اي است برعهده موسسات خصوصي، به اين معنا كه تاثير سوئي بر زندگي اجتماعي كه در آن كار مي كنند، نگذارند. ميزان اين وظيفه عموماً مشتمل است بر وظايفي چون: آلوده نكردن، تبعيض قائل نشدن دراستخدام، نپرداختن به فعاليتهاي غيراخلاقي و مطلع كردن مصرف كننده از كيفيت محصولات. همچنين وظيفه اي است مبتني بر مشاركت مثبت در زندگي افراد جامعه».

«رابينسون» درهمين رابطه مي گويد: «مسئوليت اجتماعي يكي از وظايف و تعهدات سازمان درجهت منتفع ساختن جامعه است به نحوي كه هدف اوليه سازمان يعني حداكثر كردن سود را صورتي متعالي ببخشد».

«كيث ديويس» معتقد است كه: «مسئوليت اجتماعي يعني نوعي احساس تعهد به وسيله مديران سازمانهاي تجاري بخش خصوصي كه آن گونه تصميم گيري نمايند كه در كنار كسب سود براي موسسه، سطح رفاه كل جامعه نيز بهبود يابد».

**مفروضات سیستم حسابداری مسئولیتهای اجتماعی:**

چهار فرض اساسی سیستم حسابداری مسئولیتهای اجتماعی عبارت‌اند از:

1- هر واحد تجاری در قبال جامعه پیرامونی خود تعهداتی دارد که پایبند به انجام آنهاست.

2- منابع اقتصادی اجتماع کمیاب و محدود است، پس ضرورت دارد در به کارگیری و استفاده از آنها حداکثر بهره‌وری حاصل آید، به گونه ای که منافع اجتماعی حاصل از مصرف آنها بیش از هزینه های اجتماعی شود.

3- کالاهایی که قبلا رایگان بوده اند، دیگر اینچنین رایگان در دسترس قرار نمی گیرند. مثلا آب و هوای پاکیزه اغلب نیازمند مخارج سنگین ناشی از مقررات مربوط به کنترل آلودگی محیط زیست و عملیات خود پالایی است، پس واحد تجاری باید در ازای استفاده از آنها منافعی را در اختیار اجتماع قرار دهد.

4- از حقوق مسلم جامعه است که از میزان تعهدات اجتماعی، واحد تجاری نسبت به خود و همچنین مقدار انجام شده آنها آگاهی یابد و این آگاهی لازم است براساس اصول و مبانی گزارشگری حسابداری صورت گیرد.

اما در رابطه با اصول و مفاهیم اساسی سیستم حسابداری مسئولیتهای اجتماعی، باید گفت که این اصول تا حدود زیادی همان اصول و مفاهیم سیستم حسابداری مالی است، ولی لازم است، تعدیلی در آنها صورت گیرد تا هماهنگ با اهداف سیستم حسابداری مسئولیتهای اجتماعی شود. برای مثال در حسابداری مالی لازم است دامنه شمول مفهوم شخصیت حسابداری گسترش یابد و در بر گیرنده جامعه پیرامون واحد تجاری گردد و یا گسترده مفهوم معامله حسابداری باید شامل معاملات بین واحد تجاری از یک طرف و جامعه پیرامونی خود به عنوان طرف دیگر شود و همچنین سود حسابداری شامل هزینه ها و منافع اجتماعی واحد تجاری شود تا پس از آن بتوان بازده اجتماعی سرمایه‌گذاری را محاسبه کرد.

**مفهوم حسابداري مسئوليتهاي اجتماعي:**

آرا و نظرات مختلفي در رابطه با مفهوم حسابداري مسئوليتهاي اجتماعي و همچنين وجه تسميه آن وجود دارد. از نظر مفهوم، گروهي آن را بخشي از حسابداري مالي مي‌دانند و اجراي آن را با گسترش دامنه حسابداري مالي امكانپذير مي دانند و يا به عبارتي از نظر اين گروه حسابداري مسئوليتهاي اجتماعي تنها گسترش ساده اي از نقش حسابداري سنتي است . در حالي كه گروه غالب عقيده دارند كه سيستم حسابداري مسئوليتهاي اجتماعي، اصول ، قواعد و مفاهيم خاص خود را دارد ، به گونه اي كه مي توان آن را يك موضوع كاملا جداگانه مانند حسابداري مديريت‌، حسابداري بهاي تمام شده ، حسابداري دولتي و غيره دانست كه هدف آن مواجهه با مسائل اجتماعي زير است

1- ارزيابي تاثير اجتماعي فعاليتهاي واحد تجاري؛

2-اندازه گيري هزينه ها و تعهدات اجتماعي واحد تجاري؛

3-اندازه گيري منافع اجتماعي واحد تجاري؛

4- فراهم آوردن يك سيستم اطلاعاتي درون و برون سازماني كه در امر ارزيابيتاثيرات اجتماعي واحد

 تجاري كمك كند.

اما از جنبه نامگذاري نيز عده اي آن را حسابداري اجتماعي و گروهي آن را حسابداري اجتماعي واحد تجاري ناميده‌اند‌، اما اصطلاح رواج يافته، همان حسابداري مسئوليتهاي اجتماعي است.

تفكيك هزينه‌هاي اجتماعي و اقتصادييكي از مشكلات حسابداري مسئوليتهاي اجتماعي استزيرا بسياري از هزينه ها را مي توان درهر دو طبقه تقسيم بندي كرد.

از جنبه تعريف مفهوم حسابداري مسئوليتهاي اجتماعي، بايد گفت كه تعاريف متفاوتي از سوي صاحبنظران و انديشمندان ارائه شده است كه مهمترين و رايجترين آنها به شرح زير است:

حسابداري مسئوليتهاي اجتماعي بخشي از دانش حسابداري است كه هدف آن اندازه گيري و گزارشگري اثرات اجتماعي (هزينه ها و منافع اجتماعي) ناشي از فعاليتهاي واحد تجاري است و از آنجايي كه هر واحد تجاري عضوي از جامعه اي است كه در آن فعاليت مي كند و به طور مستمر در تعامل با ساير اعضاي جامعه است و با استناد به قراردادهاي نا نوشته اجتماعي بين اعضاي جامعه كه براي حفظ منافع تمامي اعضا وضع شده اند ، ضرورت دارد، واحد تجاري از تعهدات و مسئوليتهاي خود آگاه باشد و آنها را محدود به حفاظت منافع سهامداران نداند، بلكه تعهدات و مسئوليتهاي ديگري در قبال ساير گروههاي اجتماع از قبيل اعتبار دهندگان ، كاركنان، مشتريان و فروشندگان و گروههاي موجود در جامعه و همچنين محيط زيست پيرامون خود احساس كند. براي مثال در سيستم حسابداري مسئوليتهاي اجتماعي، گزارشگري نتايج عمليات واحد تجاري محدود به روش سنتي مقابله درآمد با هزينه ها نخواهد بود‌، بلكه ضرورت دارد كه دامنه اين مقابله گسترش يابد و هزينه ها و منافع واحد تجاري را نيز در بر گيرد.

**ديدگاههاي مسئوليت اجتماعي:**

نگرشها و نظريات مربوط به مسئوليت اجتماعي سازمان، سابقه چنداني ندارند. قبل از سالهاي حدود 1800، هنجارها و نگرشهاي اجتماعي، اثر بسيار كمي بر اعمال مديريت داشته است. در دهه آخر قرن نوزدهم، در زماني كه شركتهاي بزرگ و عظيم درحال شكل گيري بودند و صنايـع بزرگ، روز به روز قويتر مــــي شدند، توجه جامعه به ضرورت مسئوليت اجتماعي سازمانها بيشتر معطوف گرديد. در ابتداي قرن حاضر، بسياري از صاحب نظران، نياز به مسئوليت اجتماعي سازمانها را مورد تاكيد قرار دادند. و بالاخره در سال 1919 محققان رشته بازرگاني براي اولين بار هشدار دادند كه اگر بنگاههاي اقتصادي درخصوص انجام مسئوليت اجتماعي خود اهمال كاري كنند، جامعه بايستي به هر نحو ممكن اختيارات آنها را درخصوص فعاليتهاي اقتصادي شان سلب كند و كنترل آنها را دردست گيرد. از اوايل دهه 1920 ساير محققان مديريت در نوشته هاي خود به مسئوليت اجتماعي بنگاههاي اقتصادي تاكيد كرده اند.

**نظریات:**

به طور کلی سه رویکرد در مورد مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکتها وجود دارد که به شرح زیر قابل تبیین می باشند:

نظریه اول از تئوریهای کلاسیک اقتصادی منشا می گیرد. طبق این مفهوم شرکت فقط و فقط یک هدف دارد و ان هم به حداکثر رساندن سود و به تبع ان حداکثر نمودن ثروت سهامداران است. البته این مفهوم تا جایی پذیرفته شده و قابل حمایت است که در جهت تلاش برای رسیدن به هدف چارچوبی اخلاقی و حقوقی وجود داشته باشد.

نظریه دوم در دهه 1970 میلادی ارائه گردیده است و بر اساس ان اهداف اجتماعی در رابطه با به حداکثر رسانیدن سود مورد توجه قرار می گیرد . طبق این نظریه مدیران شرکتها بایستی تصمیماتی اتخاذ کنند که بین حقوق سهامداران ، کارکنان ، مشتریان و عامه مردم تعادل ایجاد کنند.در نتیجه بایستی یک اعتلاف و همبستگی بین منافع و ملاحظات متعدد ایجاد شود و این اعتلاف تنها راهی است که شرکت را از هدف حداکثر نمودن سود در بلند مدت مطمئن می سازد.

براساس نظریه سوم سود نقطه پایانی اهداف موسسات نیست و مدیران اجرایی شرکتها پس از کسب سود با مشکل خواسته های کارکنان برای افزایش دستمزد ، لزوم اجرای طرح های توسعه ، درخواست قیمتهای پایین تر از جانب مشتریان ،سود سهام بیشتر برای سهامداران مواجه شوند.

در این حالت تصمیم گیریهای سازمانی لازم است به جای تلاش در جهت حداکثر نمودن سود به دنبال کسب سطح مناسبی باشد که هم طی ان سود کسب شود و هم سطح مطلوبی از اهداف اجتماعی تامین شود.
تغییر از نظریه دوم به نظریه سوم مسئولیت اجتماعی موسسات مانند حرکت از مفهوم موسسات تجاری بر مبنای منافع سهامداران به یک مفهوم گسترده تر می باشد.

یعنی در نظریه دوم ملاک ایجاد سود برای سهامداران بود که با حقوق دیگر گروههای علاقمند از قبیل مشتریان ، کارکنان و غیره مرتبط می شد در صورتی که نظریه سوم تاکید دارد که مسئولیت موسسه تجاری در قبال افراد ذینفع بوده و نیز سود و زیان به عنوان یکی از نتایج فعالیتهای انان محسوب می شود.و باید تصمیمات سازمانی براساس آن دسته از راه کارهایی که در اجتماع مسئولیت بیشتری را بوجود می آورد اتخاذ گردد. اکثر موسسات اغلب قادر به برنامه ریزی در اموری که اکثریت اجتماع از ان استفاده ببرند نیستند ،لذا بدون شناسایی و اگاهی دقیق از برتریهای اجتماعی اغلب نظرات در این زمینه ناشی از قضاوتهای ذهنی است .

براین اساس رسیدن به رفاه اجتماعی و اقتصادی که بر مبنای تئوری و ذهنیت استوار گردیده ممکن است منجر به تصمیمات مفید برای اجتماع نگردد.

در این میان نقش دولت نیز به عنوان یک قدرت تعیین کننده قابل ملاحظه است . اعمال نفوذ دولت ممکن است به سه صورت انجام گیرد:

1) تعیین فعالیتهای اجتماعی و غیر قانونی.

2) تصویب مقررات و قانون در جهت محدود نمودن توسعه فعالیتهایی که فی نفسه به حال اجتماع مفید بوده اما اجرای بدون محدودیت ان برای سلامت جامعه زیان اور است.

 3) برخورد مناسب با یک سری فعالیتها که دارای هزینه های اجتماعی و اثرات منفی در اجتماع است. مانند تعیین مالیات برای شرکت برای تامین هزینه خسارات وارده به اجتماع. هدف اصلی از تعیین اینگونه مالیاتها تشویق شرکتها به کاهش اثرات فعالیتهای مزبور و کنترل انهاست.

 ازبحث در مورد ماهیت مقررات دولتی در حل مسائل اجتماعی مشخص می شود که تعریف مسئولیت اجتماعی شرکتها بسیار مشکل است.

**اهداف حسابداری اجتماعی :**

**قرارداد واحد تجاری و جامعه پیرامونی اش ، دو کارکرد مهم را برای واحدهای تجاری در پی دارد که عبارتنداز:**

1-تولید و ارائه کالا و خدمات سودمند برای جامعه .

2- توزیع عادلانه امکانات اجتماعی ، اقتصادی یا سیاسی بین گروههای اجتماعی .

در نقش تولید کالا و خدمات اجتماعی ، واحد تجاری کارکردی تولیدی دارد و فرض می شود که انتفاع اجتماعی حاصل از تولیدات واحد تجاری بیش از هزینه های اجتماعی ان است.مدیریت واحد تجاری همزمان با تعیین اثار و نتایج سرمایه گذاریهای اقتصادی می بایستی هزینه – منفعت اجتماعی را نیز در نظر بگیرد و سپس اقدام به سرمایه گذاری نماید.

وظیفه دوم واحد تجاری کارکرد توزیعی است .در کارکرد تولیدی به طور کلی به انتفاع یا هزینه های اجتماعی معاملات اجتماعی واحد تجاری توجه می شود ولی در کارکرد توزیعی به چگونگی توزیع این هزینه ها و منافع اجتماعی بین اقشار مختلف جامعه مطرح می شودکه ایا در اثر معاملات اجتماعی واحد تجاری همگی گروههای اجتماعی به شکل عادلانه انتفاع یا هزینه را متحمل شده اند یا توزیع ناعادلانه صورت گرفته است.
با توجه به دو کارکرد مذکور ، حسابداری اجتماعی اهداف سه گانه ای به شرح زیر را دنبال می کند :
1) تعیین و اندازه گیری خالص انتفاع و مشارکت اجتماعی واحد تجاری در طول دوره مالی، از طریق محاسبه هزینه ها و منافع اجتماعی .

سیاستها و اقداماتی نظیر استخدام افراد بیکار جامعه، اموزش نیروهای متخصص برای بهبود کیفیت تولیدات و تاسیس شعبه های جدید در مناطق کم رونق و فقیر نشین از جمله اقداماتی است که تاثیر مثبتی بر منافع اجتماعی دارد.

2) تعیین ارتباط استراتژی و عملیات جاری واحد تجاری با ترجیهات و معیارهای اجتماعی .
از طریق به کارگیری حسابداری اجتماعی مشخص خواهد شد که واحد تجاری در انجام وایفای تعهدات اجتماعی تا چه اندازه موفق است و عملیات روزمره اش تا چه حد با اهداف و معیارهای از پیش تعیین شده اجتماعی واحد تجاری مطابقت دارد.

دو هدف مذكور، اهدافی هستند كه به تعيين و اندازه گيری تاثيرات متقابل معاملات اجتماعی واحد تجاری و جامعه و ارزيابی عملكرد اجتماعی واحد تجاری تاكيد دارد و هدف سوم به نحوه گزارشگری اجتماعی و تأثير آن بر تصميم گيريهای استفاده كنندگان، اشاره دارد.

3) ارائه اطلاعاتی مربوط درباره اهداف و سیاستها و برنامه های اجتماعی واحد تجاری .

از نظر گزارشگری برون سازمانی و تاميننيازهای اطلاعاتی استفاده كنندگان، اطلاعاتی مربوط، كافی و مناسب برای كمك به ارزيابی و آگاهی از مشاركتهای اجتماعی واحد تجاری بايد گزارش گردد. ارائه اطلاعاتی كه اين ويژگيهای كيفی را ندارد، باعث گمراهی استفاده كنندگان (از قبيل گروه‏های اجتماعی) خواهد شد. اينها اطلاعاتی هستند كه استفاده كنندگان را در اتخاذ تصميمات در تخصيص صحيحتر منابع اجتماعی ياری داده و باعث جلوگيری از ابهام و سردرگمی آنها خواهد شد.

حسابداری اجتماعی با تامين هدفهای سه گانه ای كه تشريح گرديد، به تكميل حسابداری مرسوم درگزارشگری و تامين اطلاعات كافی، مربوط و مناسب مورد نياز كليه استفاده كنندگان، كمك میكند.

**هدف استفاده کنندگان از اطلاعات حسابداری اجتماعی:**

طبق بررسی های به عمل آمده مشخص گرديده است هفت گروه از اطلاعات شرکتها استفاده می کنند که چون مدلهای تصميم گيری اين گروه ها مورد توجه قرار نمی گيرد, لذا انتشار اطلاعات با ماهيت حسابدرای اجتماعی عملی نبوده و اکثر اطلاعات منتشر شده دارای اهداف متفاوت و مجزا از يکديگر می باشند شامل سرمايه گذاران , بستانکاران, کارکنان, تحليل گران, طرفهای تجاری, دولت و عموم می باشند که بعضاً هدفهايي که هر گروه ممکن است در استفاده از اطلاعات داشته باشند متفاوت از هم بوده و ارائه اطلاعات برای گروههای ديگر نامطلوب هم باشد. حتی ممکن است در داخل يک گروه استفاده کننده اجزاء آن با يکديگر منافع متضاد داشته باشند؛ مثلاً مخالفانی کهبه صورت نمايندگان کارگری در داخل يک گروه از کارکنان باشند که مقاصدشان منطبق با اکثريت نباشد. نتيجه انکه نه فقط در شناسايي اهداف برای اطلاعات حسابداری اجتماعی مورد نياز مشکل وجوددارد بلکه در ايجاد الگوهای ثابت و با دوام قضاوتهای ارزشی در مورد فعاليتهای گزارش شده طبق آن و ثبات در "نظريات" افراد رسمی يک گروه از استفاده کنندگان هم مشکل وجود خواهد داشت؛ بدين لحاظ آرو در سال 1963 عدم امکان ايجاد برتريهاي عمومی را بر مبنای برتريهای فردی تعيين کرده است.

اين موارد در مباحثات تئوريک مربوط به پاسخگويي اجتماعی شرکتها مطرح می گردد و نويسندگان را بر آن داشته تا به بيان اهداف و ارائه اطلاعات حسابدرای اجتماعی بپردازند. به عنوان مثال راماناتان در سال 1976 سه هدف برای اطلاعات حسابداری اجتماعی بيان نموده است:

1-  تعيين و اندازه گيري ادواری خالص منافع اجتماعی يک موسسه فردی که در بر گيرنده هزينه های اجتماعی و درآمدهای درونی برای موسسه و افزايش صرفه جويي های خارجی بخشهای اجتماعی باشد.

2-  کمک به تعيين اينکه آيا عملکرد و استراتژی يک موسسه فردی بگونه ای است که ارتباط با منابع محيطی و بخشهای اجتماعی تأثير دائمی می گذارد؟

3-  دردسترس قراردادن راه بهينه سازی همه اجزاء اجتماعی که اطلاعات را روی اهداف، سياستها، برنامه های عملکردشرکت ومنافع اهداف اجتماعی مرتبط سازد.

به نظر می رسد دو هدف اول مربوط به اندازه گيري حسابداری اجتماعی می باشد که لازم است اين اندازه گيري انجام شود و هدف سوم, يک هدف گزارشگری است. اين مسأله ممکن است مرتبط با دو مسأله قبلی ديأه شود برای اينکه اگر هدف اندازه گيری روشن نباشد استانداردهای اندازه گيری نمی تواند توسعه يابد و تجزيه و تحليلها نمی تواند راهگشا و هدايت کننده باشد.

نتيجه گيری:

در تحقيقات نشان داده شده است كه مديران شركتها تمايل دارند كه گزارشگري اجتماعي شركت را بصورت محدود و متناسب با هدف حداكثر سازي ثروت سهامداران بكار گيرند. همچنين در تحقيقات نشان داده شده است كه مديران معتقدند فشارهاي اجتماعي باعث ايجاد نياز به پاسخگويي شركتها شده است(فروغي و همكاران، 1387: 59و 60).

با توجه به احساس نياز شركتها و مديران به ارائه گزارشات اجتماعي و از طرفي با توجه به محدوديتهايي كه براي ارائه گزارشهاي اجتماعي مناسب وجود دارد به نظر مي رسد سازمان هاي قانونگذاري مي بايست قوانيني تدوين نمايند تا شركتها را مجاب نمايند گزارشگري اجتماعي داشته باشند.

 با تدوين قوانيني منسجم به نظر مي رسد كه بتوان شركتها را به سمت پيشرفت و ارائه گزارشات اجتماعي مناسب سوق داد.

هرچند هدف اصلی سازمانها، افزایش کارآیی وکسب سود است، ولیدر عصر اطلاعات وجهانی‌سازی برای دستیابی به موفقیت، باید به انتظارات اجتماعی واحکام اخلاقی، واکنش مناسب نشان دهند و به بهترین شکل این‌گونه انتظارات را با اهداف اقتصادی سازمان تلفیق کنند، تا دستیابی به اهداف بالاتر و والاتری را امکان‌ پذیرسازند. رعایت اخلاق کسب ‌و‌کار و مسئولیت اجتماعی از راه افزایش مشروعیت اقدامات سازمان، استفاده ازمزایای ناشی از افزایش چندگانگی و افزایش درآمد، سودآوری و بهبود مزیت رقابتی موفقیت سازمان را تحت تأثیر قرار میدهد. پایبندی رهبران ومدیران سازمانها به اصول اخلاقی، توجه به میزان مشروعیت اقدامات سازمان ازنظرکارکنان، توجه و تأکید براصول اخلاقی جهان‌‌ شمول، تدوین منشوراخلاقی سازمان، اقدامات متناسب و سازگار با خواست و حساسیتهای جامعه، برنامه های آموزش اخلاقیات برای مدیران وکارکنان، ازجمله اقداماتی است که مدیرا ن نمی‌توانند دراین زمینه انجام دهند.

**منابع و ماخذ:**

**الف) منابع فارسي**

1. پارسائيان، علي (مترجم)(1384)*. تئوري حسابداري 1*. چاپ اول، تهران: انتشارات ترمه.
2. جعفري،‌ محمدرضا(1372). "تئوري حسابدراي اجتماعي." *بررسيهاي حسابداري*، شماره2، 78-89.
3. خوش طينت، محسن(1373 و 1374). "حسابداري مسئوليتهاي اجتماعي." *بررسيهاي حسابداري*،‌ شماره 10 و 11، 18-34.
4. خوش طينت، محسن و حميد راعي(1383). "تاثير ارائه اطلاعات حسابدار اجتماعي بر تصميم گيري سرمايه گذاران." *بررسيهاي حسابداري و حسابرسي*، ‌شماره37، 73-92.
5. فروغي، داريوش؛ مير شمس شهشهاني، مرتضي و سميه پور حسين(1387). "نگرش مديران درباره افشاي اطلاعات حسابداري اجتماعي- شركتهاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران(1386)." *بررسيهاي حسابداري و حسابرسي*، شماره52، 55-70.
6. نشريه بررسيهاي حسابداري، شماره 5، پاييز 1372، تئوري حسابداري اجتماعي: محمدرضا جعفري.
7. نشريه بررسيهاي حسابداري، شماره 10 و 11، زمستان 1373، حسابداري مسئوليتهاي اجتماعي: محسن خوش طينت.
8. حسابداري منابع انساني: ترجمه دكتر ناصر ميرسپاسي، مركز آموزشي مديريت دولتي، 1374
9. حسابد1- ماهنامه تدبیر شماره 189 ، حسابداری مسئولیتهای اجتماعی
10. فصلنامه بررسی های حسابداری شماره 5، تئوری حسابداری اجتماعی
11. فصلنامه بررسی های حسابداری شماره 10و11، حسابداری مسئولیتهای اجتماعی

منابع لاتین

12-OECD Productinty Database, (2010), www.axiss.com.au/assets/document/
13- Buckly M. R. ,D s.Beu,D. D. Frink (2008)»Ethical Issues in Human Resources Systems»,Human Resource Management Review,No.11,11-29.

14- O’Dwyer, Brendan (2005). "Stakeholder democracy- challenges and contributions from social accounting." *Business Etفhics: A European Review*, Vol. 14, No. 1, pp.28-41.

15- Richmond, Betty Jane Etal (2003). " Social Accounting for Nonprofits-Two Models." *Nonprofit Management & Leadership*, Vol. 13, No. 4, pp.308-324.